

## آثار مهاجرت نیروی کار متخصص بر بازار کار

هانی رستمی - کارشناس ارشد موسسه کار و تامین اجتماعی



### مقدمه

توسط مهاجرین و همچنین مهارت های آموخته شده توسط آنها سود می برند. از سوی دیگر، کشور های مقصد از ورود افراد با تخصص بالا استقبال می کنند، چرا که این مهاجرین به نیاز روز افزون این کشورها برای داشتن نیروی کار با صلاحیت پاسخ می دهند. بدیهی است خروج بدون برنامه و هدفمند این نیروها موجبات خروج حجم قابل توجه ای از سرمایه های انسانی و ملی را در پی دارد که این امر کشورهای مذکور را در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی دچار خلاء های مختلف در حوزه های فناوری مدیریت و منابع انسانی خواهد نمود. باید توجه نمود که صرفاً مهاجرت یک تهدید نبوده و می توان در عین حال با تدوین سیاست های محوری متناسب رشد اقتصادی و اجتماعی خود آن را به یک فرصت تبدیل نمود. مهاجرت نیروی کار به شکل غیرمتعارف نتیجه ناهنجاری های موجود اقتصاد جهانی است که در حال حاضر از سوی بسیاری از کشورها مورد سؤال واقع شده است و در صورت عدم تبیین استراتژی های پاسخگو در ابعاد اجتماعی، اقتصادی از سوی کشورهای در حال توسعه و نبود یک اجماع جهانی، بیش از پیش شکاف میان کشورهای صنعتی و در حال رشد را افزایش می دهد. نیروی انسانی به ویژه نیروی متخصص، در توسعه اقتصادی،

مهاجرت، مشخصه زندگی اجتماعی و اقتصادی بین کشورها است، اما ویژگی های جمعیت های مهاجر به گونه قابل توجهی با هم متفاوت است. این امر تا حدی به دلیل سرچشمه های متنوع مهاجرت است. برای مثال در بیشتر کشورهای اروپایی، شهروندان از حق گسترده جابجایی برخوردار هستند. در استرالیا، کانادا و نیوزیلند، مدیریت مهاجرت نیروی کار نقش مهمی در اقتصاد بازی می کند. به جز کار، مهاجرت های مربوط به مسائل خانوادگی و انسانی نیز مورد توجه هستند اما مهاجرت با هر منبعی، تأثیرات مهمی بر جوامع دارد و این تأثیرات می توانند مورد مناقشه باشند. تأثیر اقتصادی مهاجرت هم یکی از همین پیامدها است.

مهاجرت گسترده نیروی انسانی به ویژه نیروی کار ماهر و متخصص یکی از مسائلی است که طی سال های اخیر دولت ها و سازمان های بین المللی را به چالش کشانده است. تمامی کشورها بر اساس اصل رقابت در پی دستیابی به حجم گسترده تری از بازار کار جهانی مبتنی بر مدیریت نوین مهاجرت نیروی کار و اشتغال می باشند. مهاجرت نیروی کار متخصص بر توسعه اقتصادی و بازار کار کشورهای در حال رشد دارای آثار متعددی می باشد. به عنوان مثال کشورهای فرستنده نیروی کار از وجوه ارسالی

اجتماعی و فرهنگی هر جامعه نقش اساسی ایفا می کند. در

تقسیم بندی بانک جهانی نیز یکی از منابع ثروت کشورها، منابع انسانی، به ویژه متخصصین هر کشور ذکر شده است. سرمایه انسانی از ابزارهای مهم توسعه است و توسعه نیز منوط به حفظ سرمایه انسانی است. به عبارت دیگر، سرمایه های انسانی یا همان نیروهای متخصص و ماهر، هم ابزار هستند و هم هدف توسعه. امروزه نیروی ذهنی، مغزی، تفکر و مدیریت جامعه یک ثروت محسوب می شود و مهاجرت اندیشمندان و روشنفکران می تواند موازنه علمی یک سرزمین را با چالش جدی مواجه کند. دیدگاه های مختلفی در ارتباط با به پدیده فرار مغزها وجود دارد. دیدگاهی خوشبینانه، سخن گفتن از فرار مغزها در عصر ارتباطات را بدبینانه می پندارد. این دیدگاه ناظر بر این است که توسعه ارتباطات جهان را به دهکده ای شبیه ساخته که در آن افراد به آخرین تجهیزات ارتباطی دسترسی دارند. لذا در نگاه قائلین به این دیدگاه، سخن گفتن از فرار مغزها یا مهاجرت نخبگان غلو شده به نظر می رسد. دیدگاه دیگری دانشمندان و نخبگان را سرمایه های جهانی می داند. از این منظر چنانکه دلیلی ندارد جلوی مهاجرت نخبگان گرفته شود، علتی نیز وجود ندارد که دستاوردهای علمی آنان به سراسر جهان صادر نشود. نظریه ای که بر اساس دیدگاه های مارکسیستی مطرح می شد مفهوم فرار مغزها را به "قاچاق سلولهای خاکستری" تعبیر می نماید. در این دیدگاه نخبگان به منزله بردگانی تلقی می شوند که از روی اجبار و بدون حق انتخاب ناچارند در جهت بهره وری سیستم سلطه جوی کشورهای "رباینده" خدمت کنند. این گروه، فرار مغزها را در اثر فریب، توطئه و اغواگری کشورهای مقصد می دانند و بدین جهت این مهاجرت را نوعی اجبار به حساب می آورند.

فریفتن نخبگان و جذب سرمایه های انسانی که از مهمترین سرمایه های اقتصادی به شمار می روند شیوه جدید استعمار علمی- فرهنگی است. این دیدگاه گروهی است که جهان سوم را در معرض تهاجم دستاوردهای فرهنگی می دانند. عده ای دیگر جذب گروه نخبگان را حق کشورهای توسعه یافته می دانند. این عده معتقدند کشورهای توسعه یافته سهم زیادی در پیشرفت علم، رفاه اجتماعی و امنیت جهانی دارند و با جذب نخبگان جلوی هدر رفتن آنها را می گیرند. و عده ای دیگر نیز معتقدند که مهاجرت نخبگان پدیده های مذموم نبوده و در واقع عاملی برای توسعه و

مبادله فرهنگ است.

## پیامد اقتصادی مهاجرت نخبگان

براساس آمارهای موجود سالانه هزاران دانش آموخته دانشگاهی از کشور خارج می شوند که بنابر اعلام صندوق بین المللی پول، خروج این حجم کلان از سرمایه های انسانی معادل خروج ۱۱ میلیارد دلار سرمایه از کشور است. بر این اساس، کشور ایران همراه با سه کشور کره جنوبی، فیلیپین و چین تایپه در صدر کشورهای نخبه گریز جهان قرار دارد. کشورها با مهاجرت نخبگان و نیروی کار ماهر و متخصص، به تدریج شاهد کاهش تولید سرانه، رفاه اقتصادی و رشد اقتصادی خواهند بود. مهاجرت نخبگان همچنین باعث می شود در آینده کشور از نیروی فعال بالقوه بی بهره باشد. این در حالی است که کشورها هزینه زیادی را برای تربیت نیروهای متخصص صرف می کنند و از دست دادن این نیروها به منزله از دست دادن میلیاردها دلاری است که سالها در زمینه انباشت سرمایه انسانی و دانش هزینه شده است. هزینه هایی که جامعه باید برای پر کردن خلاء ناشی از خروج سرمایه انسانی بپردازد، تعداد واحدهای زمانی بسیار بالایی که از دست رفته اند و قابل بازیافت نیستند ضرباتی هستند که بر پیکره اقتصاد آن مملکت وارد می شود. دامنه پیامدهای منفی مهاجرت نخبگان از کشور بر اقتصاد به قدری است که اخیراً نظریاتی مبنی بر جبران زیان کشورهای مهاجرفرست (نیروهای متخصص و تحصیلکرده) از طریق مالیات شکل گرفته اند به این مفهوم که مهاجران باید مبلغی را علاوه بر مالیات بر درآمد، در کشور میزبان بپردازند و مسئولان مالیاتی کشور میزبان نیز باید این مبلغ را هر ساله به کشور مهاجرفرست مسترد دارند. تا بدین وسیله بخشی از زیان رفاهی ناشی از از دست دادن سرمایه انسانی کارآمد تأمین شود. در تازه ترین گزارش منتشر شده از سوی بانک جهانی با عنوان "مهاجرت بین المللی و فرار مغزها" تعداد افرادی که در طی سالهای اخیر از ایران خارج شده اند بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر در سال عنوان شده است بد نیست بدانیم که براساس آمار منتشر شده از سوی اداره آمار آلمان، از مجموع صد هزار ایرانی مهاجر در آلمان در سالهای گذشته، ۲۰۰۰ جلد کتاب منتشر شده در حالی که از میان ۲ میلیون مهاجر ترک تنها ۱۰۰ جلد کتاب انتشار یافته است. این امر حاکی از پتانسیل های ارزنده فکری است که در ردیف

گرانبهترین سرمایه های ملی محسوب می شود ولی متأسفانه به دلیل عدم تدبیر و چاره اندیشی مسئولان و تصمیم گیران کشور به راحتی از دست می روند، بدون این که حتی هزینه هایی که از این طریق بر اقتصاد کشور تحمیل می شود، محاسبه شود. بی تردید، خروج متخصصان که می توانند پشتوانه فکری، اجرایی، کارآمدی و بقای نظام اقتصادی- سیاسی کشور باشند، در بلندمدت منجر به ایجاد بحران سیاسی واجتماعی فراگیر در کشورمان خواهد شد که در آن هنگام حتی مجال اندیشیدن برای حل این مسائل وجود ندارد.

## دیدگاه ها در حوزه مهاجرت نخبگان

به طور کلی در مورد اثر مهاجرت افراد متخصص بر کشور مبدأ دو رویکرد وجود دارد. رویکرد اول که به ادبیات سنتی فرار مغزها مشهور است، فرار مغزها را پدیده های مضر برای کشور مبدأ در نظر می گیرد، اما در رویکرد دوم که به ادبیات جدید فرار مغزها مشهور است بر اثرات مثبت فرار مغزها بر کشورهای مبدأ تأکید می شود. برخی از نظریه پردازان مهاجرت همچون دهاس (Hein De Haas) معتقدند بیشتر تئوری های مهاجرت بینش جامعی را در حوزه اثرات مهاجرت در توسعه، بویژه اثر آن بر کشورهای در حال توسعه، ارائه نمی نمایند و تنها به ارائه اثرات ناهمگون و التقاطی بسنده می کنند. گروه هایی آن را پدیده ای مثبت و مؤثر در توسعه معرفی می نمایند. همچون کارکردگرایان، توسعه گرایان، نئوکلاسیک ها و نظریه پردازان دیدگاه نوسازی. بسیاری از مکاتب و نظریه پردازان نیز آن را منفی برمی شمارند) از قبیل نئومارکسیست ها، طرفداران مکتب وابستگی، تئوری سیستم های جهانی) به نحوی که مهاجرت به عنوان پای ثابت بسیاری از معضلات جامعه معرفی می گردد.

## تقابل دیدگاه ها در حوزه مهاجرت و توسعه

نگرش منفی به مهاجرت	نگرش مثبت به مهاجرت
ساختارگرایان	کارکردگرایان
نئومارکسیست ها	نئوکلاسیک ها
نوسازی	نئومارکسیست ها
جریان جنوب - شمال سرمایه	جریان شمال - جنوب سرمایه
فرار مغزها	بدست آوردن مغزها
افزایش نابرابری	افزایش برابری
مصرف گرایی	سرمایه گذاری وجوه ارسالی
وابستگی	توسعه
افزایش مهاجرت	کاهش مهاجرت
کاهش نیروی کار ماهر در مبدأ	پدید آمدن فرصت کار برای بیکاران در مبدأ
ایجاد تورم در نتیجه ارسال پول	فعالیت های اخیر و نوع دوستانه از جانب مهاجرین در مبدأ در راستای کمک به توسعه جامعه

## ادبیات سنتی فرار مغزها

طبق ادبیات سنتی فرار مغزها، این پدیده اثرات منفی بر اقتصاد کشورهای مبدأ دارد. این رویکرد معتقد است که سرمایه انسانی جزء لاینفک توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور است و مهاجرت سرمایه انسانی با ایجاد کمبود نیروی انسانی ماهر موجبات کاهش تولید را در کشور مبدأ فراهم می‌کند. مهاجرت نیروی ماهر از طرق زیر به کشور مبدأ زیان وارد می‌کند:

### زیان های مربوط به هزینه های آموزش

یکی از زیان هایی که از مهاجرت نیروی متخصص به جامعه وارد می‌شود، زیان های مربوط به هزینه های آموزشی است که صرف آموزش آنها شده است. در بسیاری از کشورها، درصد قابل توجهی از هزینه تحصیلات از طریق مخارج عمومی تأمین می‌شود لذا خروج افراد متخصص به معنای از بین رفتن سرمایه گذاری انجام گرفته در سرمایه انسانی نیروی کار است و لذا حفظ سطح سرمایه انسانی مستلزم مخارج عمومی بیشتر و دریافت مالیات های بیشتر از افراد باقیمانده است که باعث ضرر در رفاه افراد ساکن در کشور خواهد شد. در واقع هزینه های آموزشی نوعی سرمایه گذاری است و لذا انتظار می‌رود فرد آموزش دیده پس از پایان تحصیلات، دین خود را از طریق کار کردن، پرداخت مالیات و انجام سایر خدمات اجتماعی به جامعه ادا نماید.

### تأثیر بر فرایند تولید و ترکیب عوامل تولید

مهاجرت افراد متخصص به طور مستقیم، بیکاری نیروی کار متخصص را کاهش می‌دهد اما از آنجا که عوامل تولید جانشین ناقص یکدیگرند، مهاجرت سبب کمبود نسبی افراد متخصص در فرایند تولید و ترکیب ناکارای عوامل تولید می‌شود. این پدیده بیکاری نیروی انسانی غیرمتخصص را افزایش و دستمزدهای آنها را کاهش می‌دهد و سبب کاهش سطح رفاه در جامعه خواهد گردید. به عبارت دیگر، نیروی کار ماهر و غیرماهر در فرایند تولید مکمل یکدیگرند و با توجه به این حقیقت که بسیاری از کشورهای در حال توسعه با فراوانی نیروی کار غیرماهر و کمبود نیروی کار ماهر روبه رو هستند، لذا ممکن است مهاجرت نیروی کار ماهر اثرات منفی قابل توجهی بر روی اشتغال، بهره وری و دستمزد سایرین داشته باشد.

### زیان ناشی از فقدان ایده های بهتر

می‌توان ادعا کرد که عامل نیروی انسانی متخصص و ماهر است که باعث پیشرفت سازمانها و افزایش بهره وری می‌شود. از دست دادن افراد متخصص به معنای از دست دادن ایده های آنها برای تولید کارا تر، حکمرانی بهتر و همچنین اثرات جانبی آنها بر انگیزش و یادگیری دیگران است، لذا خروج این نیروها در بلندمدت به طور جدی کشور مبدأ را در مدیریت امور، اتخاذ فناوری های نوین و ابداعات تحت تأثیر قرار می‌دهد.

### زیان ناشی از کاهش سرمایه انسانی در کشور مبدأ

مهاجرت نیروی انسانی ماهر، اثر بسیار مهمی بر تشکیل سرمایه انسانی دارد. اگر چه در اکثر کشورهای در حال توسعه نیروی کار به وفور یافت می‌شود لیکن آنچه که کمبود آن کاملاً محسوس می‌باشد، نیروی کار ماهر و آموزش دیده است.

### زیان ناشی از اثرات جانبی خروج سرمایه انسانی

در رابطه با آموزش، بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که آموزش دارای اثرات جانبی مثبت است و

افزایش سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه می شود. منافعی که در پژوهش های انجام شده در مورد منافع مهاجرت نیروی متخصص برای کشور مبدأ بیان شده به شرح زیر است:

### وجوه ارسالی

میزان وجوه ارسالی توسط مهاجران در دهه های اخیر به میزان قابل توجهی افزایش یافته است و بنا بر اعلام بانک جهانی مقدار آن از ۱۳۲ میلیارد دلار آمریکا در سال ۲۰۰۰ به ۵۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ رسیده است که بالغ بر ۴۱۴ میلیارد دلار آن مربوط به کشورهای در حال توسعه بوده است. نتایج مطالعات نظری و تجربی در مورد اثر وجوه ارسالی بر رشد اقتصادی قدری متفاوت است. دسته ای از مطالعات بر اثرات مثبت و دسته دیگر بر پیامدهای منفی آن تأکید کرده اند. آن دسته از مطالعات که بر پیامدهای مثبت وجوه ارسالی بر رشد اقتصادی تأکید دارند استدلال می کنند که وجوه ارسالی که مهاجران می فرستند، با افزایش سطح درآمد و مصرف دریافت کنندگان وجوه، رفاه آنها را افزایش می دهد و هم وارد چرخه اقتصادی کل کشور شده و از این طریق بر رفاه کل جامعه اثر مثبت می گذارد. همچنین وجوه ارسالی بر تصمیم خانوارها در میزان عرضه کار، تحصیل، انتخاب شغل، زاد و ولد و مصرف اثرات مثبت و معنیداری بر جای می گذارد. این موضوع به ویژه در کشورهای فقیر که با محدودیت منابع مالی مواجه هستند اهمیت بیشتری می یابد. دسته دیگری از مطالعات بر اثر منفی وجوه ارسالی بر رشد اقتصادی تأکید کرده اند. بر این اساس وجوه ارسالی می تواند نرخ مشارکت نیروی کار در بازار کار را کاهش داده و منجر به کاهش عرضه نیروی کار شود یا این که منجر به تورم شده و اثرات منفی ایجاد کند.

### بازگشت مهاجران

مهاجران بازگشته با انتقال دانش و مهارتی که در خارج از کشور کسب کرده اند، باعث افزایش بهره وری سایر عوامل تولید و افزایش سرمایه انسانی در کشور مبدأ خواهند شد. همچنین مهاجران بازگشته سرمایه های مالی و فیزیکی خود را نیز به کشور مبدأ منتقل کرده و از این راه نیز شرایط را برای رشد اقتصادی بهتر کشور خود فراهم می کنند.

لذا دستمزد دریافتی نیروی انسانی ماهر کمتر از تولید اجتماعی آنهاست. یک فرد آموزش دیده نه تنها از طریق تولید فیزیکی خود به جامعه کمک می کند، بلکه خدماتی به جامعه ارائه می دهد که کمتر آشکار بوده و نمی توان آنها را به طور دقیق ارزیابی کرد. افزایش سطح آموزش جامعه هزینه های دولت را در ارتباط با بسیاری از معضلات و مسائل کاهش می دهد. لذا با توجه به اثرات جانبی مثبت آموزش، مهاجرت نیروی انسانی ماهر اثر منفی بر رفاه اجتماعی جمعیت غیر مهاجر خواهد گذاشت.

### زیان رفاهی ناشی از عدم ارائه خدمات ضروری

ارائه برخی از خدمات عمومی نظیر خدمات بخش بهداشت و درمان نیاز به افرادی دارد که سرمایه انسانی بالایی دارند. از سوی دیگر این خدمات جزء خدمات کاملاً ضروری است که فراهم کردن آنها نقش عمدهای در رفاه مردم دارد. مهاجرت افراد متخصص در این بخش ها ارائه این گونه خدمات ضروری را با مشکل مواجه خواهد کرد و بر رفاه عمومی تأثیر منفی می گذارد با توجه به موارد بالا ادبیات سنتی فرار مغزها پیشنهاد می کند که برای حفظ ثبات اقتصادی کشورهای در حال توسعه لازم است در این زمینه دخالت هایی صورت گیرد. این گروه معتقدند که تحلیل منافع و زیانهای حاصل از مهاجرت بین المللی نیروی انسانی ماهر شبیه به تحلیل منافع و زیان حاصل از تجارت بین المللی است، اگر چه تجارت از نظر جهانی بر نبود تجارت برتری دارد ولی تحت برخی از شرایط ممکن است برقراری یک سطح بهینه تعرفه به نفع منافع ملی کشور باشد.

### ادبیات جدید فرار مغزها

از اواسط دهه ۹۰ میلادی موج جدیدی از مدل های پویا نتایج مطالعات پیشین در مورد فرار مغزها را به چالش کشید و بر منافع مهاجرت نیروی متخصص بر کشورهای مبدأ تأکید کرد. در ادبیات جدید این مسئله مطرح شد که مهاجرت نیروی متخصص منافعی را برای کشور میزبان ایجاد می کند و این منافع، کل یا بخشی از پیامدهای منفی مهاجرت نیروی متخصص را جبران می کند. با لحاظ اثرات مثبت مهاجرت نیروی کار متخصص در اقتصاد، می توان نشان داد که تحت شرایط معینی مهاجرت افراد متخصص و ماهر منجر به

## ایجاد شبکه‌های تجاری و سهولت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

مطالعات اخیر در حوزه تجارت بین الملل مهاجرت را مکمل تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌دانند. تشکیل شبکه‌های تجاری، سبب ایجاد پیوندهای تجاری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تقویت منافع ناشی از تجارت و انتشار دانش شده و از این طریق رشد اقتصادی کشور مبدأ را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مهاجرت باعث ایجاد شبکه‌های تجاری بین داخل و خارج از کشور خواهد شد و از این طریق باعث افزایش روابط تجاری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌گردد و حتی اگر مهاجران به کشور خود باز نگردند با ایجاد شبکه‌های تجاری موجب رشد کشور مبدأ خواهند شد.

## اثر مثبت بر تشکیل سرمایه انسانی در کشور مبدأ

یکی دیگر از اثرات مطرح شده در مورد منافع مهاجرت نیروی متخصص، اثری است که مهاجرت نیروی متخصص بر انباشت سرمایه انسانی در کشور مبدأ دارد. به عبارت دیگر انتظار بازدهی بالاتر مهارت‌های کسب شده یا افزایش امکان اشتغال در خارج از کشور موجب می‌شود نیروی کار قبل از مهاجرت انگیزه بیشتری برای کسب دانش و مهارت داشته باشد.

## برای حفظ نیروهای متخصص در داخل کشور و جلوگیری از مهاجرت به رویه آنها به خارج از کشور چه باید کرد؟

ایجاد زمینه‌ای برای ارزشمند شدن فعالیت نخبگان موجود، حصول منزلت اجتماعی، در اختیار داشتن ابزارهای لازم فعالیت و برخورداری از حقوق و امکانات لازم برای زندگی، امید به حفظ نخبگان موجود را افزایش می‌دهد. در عین حال داشتن اعتبار بین‌المللی در کسب و کار و امکان رشد علمی مداوم، جاذبه‌هایی برای نخبگان مهاجر و حتی نخبگان سایر کشورها به وجود می‌آورد و موجب رشد و اعتلای فضای علمی کشور خواهد شد. برای این منظور دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های دولتی تلاش‌هایی را در جهت تامین نیازهای نخبگان با بودجه دولتی برای جلوگیری و یا حداقل کاهش نرخ مهاجرت انجام داده‌اند. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به افزایش بودجه پژوهشی، ارائه تسهیلات لازم از قبیل زمین، ساختمان و وام برای اساتید و نخبگان اشاره کرد. این راهکارها

در برنامه‌های اول، دوم، سوم، چهارم و همچنین مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی قابل ردیابی است. مسلماً دولت نخواهد توانست علل مهاجرت نخبگان را از طریق افزایش بودجه و ارائه تسهیلات رفاهی حل نماید. زیرا رشد علم و فناوری در تمام کشورها به مراتب سریعتر از رشد اقتصاد ملی بوده‌است.

مکانیزم ایجاد مشاغل مبتنی بر دانش و جذب نخبگان و متخصصین در مشاغل جدید اقتصادی، به نظام انکوباتوری معروف است. این نظام واکنشی به ناکارآمدی بازار در ایجاد صنایع نوین بوده‌است. صنایع مبتنی بر دانش و پژوهش‌های علمی نمی‌توانند در زمانی کوتاه، خود به خودی توسعه یابند بلکه نیاز به مکانیزمی وجود دارد تا دانشمندان کارآفرین (فن‌آفرینان) را در توسعه ایده و حاصل تحقیق‌شان یاری دهد و صنایع جدیدی به وجود آورند. ویژگی عمده این صنایع جدید نسبت بسیار بالای نیروهای دانش‌آموخته به کل نیروهای مشغول کار، سهم بالای هزینه‌های تحقیق و توسعه از فروش سالانه، و ارزش افزوده بالای محصولات تولیدی نسبت به سرمایه‌گذاری انجام شده‌است. نظام انکوباتوری به ایجاد و توسعه شرکت‌های مبتنی بر دانش کمک می‌کند و برای این منظور تمام افراد و نهادهای مرتبط با موضوع دانش، شرکت‌ها، فناوری، سیاست‌گذاری و تامین مالی و بازاریابی را درگیر می‌کند. نظام انکوباتوری، مبتنی بر انکوباتورهای کسب (موسسات خصوصی) است. این انکوباتورها به شرکت‌های نوپا، تسهیلات و امکاناتی ارائه می‌دهند و آنها را پرورش می‌دهد تا به حد بلوغ برسد.

این نظام با اهداف مختلف جذب نخبگان، افزایش رقابت‌پذیری، توسعه مشاغل مبتنی بر فناوری و دانش، بازسازی نظام صنعتی، ایجاد ارزش افزوده بسیار بالا و ارتباط دولت-صنعت-دانشگاه و بازار، در کشورهای مختلف راه‌اندازی شده‌است. در سال ۲۰۰۱ بیش از ۴۰۰۰ انکوباتور کسب و فناوری در دنیا وجود داشت. حدود نیمی از این انکوباتورها، در کشورهای گروه هفت قرار داشتند. در بین کشورهای گروه هفت نیز، آمریکای شمالی (آمریکا و کانادا) به تنهایی نیمی از انکوباتورهای گروه هفت (G-7) را در اختیار داشتند.

رژیم اشغالگر اسرائیل یک میلیون دانش‌آموخته شوروی سابق را با به کارگیری این نظام جذب کرد و حاصل کار، شرکت‌های بسیار

کارا و با کیفیت در زمینه فناوری بود، به نحوی که این کشور بعد از آمریکا دومین کشوری است که بیش از ۲۰۰۰ شرکت فناوری پیشرفته را در یک جا جمع کرده است. این کشور ۲۸ انکوباتور دارد. رشد فناوری پیشرفته آمریکا و گسترش دره سیلیکون یکی از پیامدهای وجود نظام انکوباتوری در این کشور بوده است. نظام انکوباتوری در طول بیست سال فعالیت خود در آمریکا بیش از نیم میلیون شغل با مهارت بالا، به طور مستقیم ایجاد کرده است. هم اکنون این کشور با داشتن بیش از ۹۵۰ انکوباتور در صدر جهان قرار دارد. هم اکنون ۴۰۰۰ شرکت وابسته به این دانشگاه ۱/۱ میلیون نفر را در استخدام خود دارند و سالانه فروشی معادل ۲۳۲ میلیارد دلار دارند. این مبلغ فروش تقریباً معادل تولید ناخالص داخلی آفریقای جنوبی و تایلند است. این دانشگاه بیشترین مشاغل را در کالیفرنیا، ماساچوست و تگزاس ایجاد کرده است و هر سال حدود ۱۵۰ شرکت جدید وابسته به MIT بنیانگذاری می شود.

آلمان آخرین کشور از کشورهای گروه هفت بود که این نظام را پیاده کرد. هدف این کشور تغییر ساختار صنعت و روی آوردن به صنایع مبتنی بر دانش بود. آلمان هم اکنون با حدود ۴۰۰ انکوباتور دومین مقام را در جهان دارد. این انکوباتورها، بین سال های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۶ باعث تولد ۶۵۰۰ شرکت شده اند که ۸۲ درصد آنها مبتنی بر فناوری های پیشرفته جدید است و تقریباً نیمی از این شرکت ها، برآمده از تحقیقات دانشگاه هستند. چین با هدف جذب نخبگان چینی خارج از کشور، تجاری سازی نتایج تحقیق و توسعه و صنعتی شدن، اقدام به راه اندازی انکوباتورها و نظام انکوباتوری نمود. بیش از یک سوم انکوباتورهای ایجاد شده مخصوص دانش آموختگان چینی خارج از کشور است. این اقدام تاکنون بسیار موفق بوده است و علاوه بر جذب متخصصین، باعث رشد صنایع مبتنی بر فناوری نوظهور شده است. در سال ۱۹۹۹ تعداد ۵۱۵۱ شرکت در انکوباتورهای چین ساکن بودند و ۱۷۸۵ شرکت نیز از آنجا خارج شده بودند. شرکت های خارج شده در سال ۱۹۹۹ درآمدی معادل ۱۲۲ میلیارد یوان (۱۴/۷۵۰ میلیارد دلار) داشته اند.

## دشواری های بررسی پدیده فرار مغزها

آنچه که به دشواری بررسی پدیده فرار مغزها می افزاید، فقدان آماری صحیح و متمرکز در کشورهای مهاجرپرست و مهاجرپذیر از میزان واقعی مهاجرت نخبگان و متخصصان است. در کشور ما نیز با وجود گزارش های آماری متعددی که تاکنون درباره مهاجرت نخبگان و فرار مغزها تهیه شده، خلأهای عمده ای در این زمینه احساس می شود. تمام کمبودهای آماری در این زمینه معلول فقدان پیگیری سیاست مهاجرت برنامه ریزی شده در ایران است و به همین دلیل نیازی به تهیه و تدارک چنین اطلاعاتی احساس نمی شود. همچنین در سیاست آموزشی کشور خط مشی روشنی برای مواجهه با این پدیده ترسیم نشده است و در چنین شرایطی، ابعاد آسیب زای قضیه بیشتر رخ می نماید.

## مشکل مهاجرت نخبگان و فرار مغزها به دو عامل درون و برون سیستمی بر می گردد

مشکلات درون سیستمی که به دستگاه های متولی آموزش و تحقیقات مربوط می شود عبارتند از:

- \* کمبود امکانات لازم برای انجام فعالیت های علمی و تحقیقاتی
- \* کمی حقوق و درآمد
- \* برخوردهای نامناسب مدیریت سیستم
- \* وجود مدیران ضعیف در رأس امور علمی و اجرایی
- \* بی توجهی مسئولان به خواسته های اعضای هیأت علمی

- \* سختگیری کادر موجود آموزش و تحقیقات در قبال استخدام جدید و در نتیجه سرخوردگی نیروهای تحصیلکرده و مهاجرت آنان به خارج از کشور
- \* احساس عدم کارایی متخصصان
- \* مشکلات برون سیستمی
- \* وجود فشارهای اجتماعی و فرهنگی
- \* عدم نهادمندی علم به عنوان یک نهاد اجتماعی
- \* مشخص نبودن جایگاه نهاد علم و کارکرد آن
- \* تنش موجود در جامعه
- \* جهانی شدن و تأثیر آن بر مهاجرت نخبگان
- \* وجود انگیزه های فردی
- \* ترغیب های اجتماعی برای پیشرفت
- \* وجود امکانات فراوان در خارج از کشور
- \* احساس نا امنی
- \* کاهش علائق و وابستگی های فرهنگی
- \* عدم اطمینان به آینده
- \* نبود یک سازماندهی مناسب در چگونگی بهره گیری از امکانات موجود در داخل کشور، علاوه بر کمبود امکانات
- \* تولید و بازتولید بی قاعدگی یا آنومی در جامعه به دلیل فاصله گیری از ارزش ها
- برخی صاحب نظران بر این باورند که عوامل فوق نه تنها موجب فرار مغزها شده، بلکه عاملی برای انزوای مغزها نیز شده است. اینان معتقدند در شرایطی که نظم هنجاری سنتی سست می شود و نظم هنجاری جدید نیز جایگزین نمی شود، افراد دچار تردید خواهند شد و وضعیتی به وجود خواهد آمد که فرار مغزها یکی از پیامدهای آن خواهد بود.

## راهکارهای اجرایی

- در خصوص مشکل درون سیستمی باید اقداماتی را وزارتخانه های ذیربط با سیاستگذاری مجموعه دولت و حمایت قانونی مجلس انجام دهند. برخی اقدامات و راهکارهای اجرایی به شرح ذیل پیشنهاد می شود:
- \* وضع قوانین و مقررات برای تأمین امنیت شغلی و اجتماعی استادان و متخصصان
- \* کاهش بوروکراسی در نهادهای علمی و صنعتی کشور و توسعه و نهادینه سازی نظام مدیریت مشارکتی
- \* حفظ حریم دانشگاه ها و جلوگیری از دخالت غیر مسئولانه عوامل بیرونی در فرایند فعالیت های جاری علمی این نهادها و تلاش برای ایفای حقوق اساسی آنها
- \* تشکیل و توسعه بانک اطلاعات متخصصان ایران و ورود آنها به چرخه تصمیم گیری و سیاستگذاری
- \* نوسازی و تجهیز امکانات آزمایشگاهی و کارگاهی و اطلاع رسانی دانشگاه ها متناسب با تخصص ها، کارآمدی و شأن اعضای هیأت علمی و پژوهشگران و هماهنگی با تحولات علمی



\* ایجاد تسهیلات ویژه برای انجام فرصت مطالعاتی در داخل و شرکت در سمینارها.  
 \* تمهید تسهیلات قانونی و مالی جهت استفاده بیشتر از استادان ایرانی مقیم خارج  
 \* جهت گیری برنامه های فرهنگی وزارتخانه های علوم و بهداشت به سوی تقویت خودباوری و اعتماد به نفس در دانشجویان و التزام به ارزشها و هویت اسلامی و ایرانی  
 \* مرتبط ساختن هر چه بیشتر رشته های دانشگاهی با نیازهای جهان کار  
 \* رسیدگی ویژه به امور معیشتی استادان  
 \* رسیدگی به مسائل خاص استعدادهای درخشان و سرمایه گذاری در این زمینه  
 در خصوص مشکلات برون سیستمی مسأله از دو بعد قابل بررسی و حائز اهمیت است: یکی بررسی مسأله از بعد بین المللی و دیگر بررسی مسأله از بعد درون و مشکلات موجود در داخل جامعه ایران که از آن به عنوان "زمینه ها و بسترهای اجتماعی فرار مغزها" یاد می کنند.  
 در بخش بین المللی، موضوع جهانی شدن به عنوان فرایندی که جریان ها، جوامع و فعالیت های علمی را در کشورهای در حال توسعه تحت تأثیر خود قرار می دهد، باید مدنظر قرار گیرد. در بخش مربوط به درون جامعه باید اقداماتی در سطح کلان و در قالب سیاستگذاری های بنیادی صورت گیرد. برای این منظور، داشتن یک تحلیل جامع ضروری خواهد بود. تحلیل علمی مربوط به این بخش می تواند با تعریفی از نهاد علمی در جامعه صورت گیرد، با این توضیح که مسأله فرار مغزها با موضوع نهادی شدن علم دارای یک ارتباط معنادار است. بخش زیادی از تغییرپذیری این پدیده را می توان ناشی از عدم شکل گیری و تکوین نهاد ملی علم در این کشور دانست در این نگاه، پدیده فرار مغزها و نهادی شدن علم در برابر یکدیگر قرار دارند، به نحوی که اگر نهاد ملی علم با نظامهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی یک کشور که در مراحل مختلفی از نظر توسعه قرار دارند، هماهنگ و مرتبط باشد، استقرار دانشمندان در آن وضعیت بیشتر خواهد بود.

## منابع:

۱. وقوفی، حسن، فرار مغزها، بررسی مهاجرت نخبگان از زوایای گوناگون، (تهران، بیستون، ۱۳۸۱)
۲. عیسی زاده، مهرنفر جهانبخش، بررسی تأثیر مهاجرت بین المللی بر سطح اشتغال و دستمزد: مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۸، شماره ۲، سال ۹۲ صفحات ۱۱۱-۱۳۰
۳. رحمانی تیمور، مظاهری ماری، مرتضی - بررسی تأثیر مهاجرت بر انباشت سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه (۲۰۰۰-۱۹۷۵)، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی سال پنجم، شماره هفدهم، زمستان ۱۳۹۳
۴. طایفی، علی - بررسی علل خروج نیروهای متخصص از کشور و راهکارهای کاهش آن - موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی - ۱۳۸۰
۵. آذربایجانی کریم و همکاران - عوامل موثر بر مهاجرت نیروی کار ایران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران - سال سیزدهم - شماره ۴۰ - پاییز ۱۳۸۸
۶. وثوقی، منصور حجتی، مجید - مهاجران بین الملل، مشارکت کنندگان در توسعه ی زادگاهی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم/شماره دوم/بهار ۱۳۹۱